

خبرنامه جنبش

دموکراتیک، سوسیالیستی و اجتماعی مردم ایران

رابطه قیمت دلار با افزایش تورم و کاهش قدرت خرید مزدگیران

فعالین صنفی در روزهای پایانی سال ۹۶ با اولین بحران کارگری روبرو شدند. طی چند هفته پس از آنکه شورای عالی کار پس از روزها توانست با نمایندگان کارفرمائی و دولت توافق کند که حقوق پایه کارگران را نزدیک بر ۲۰ درصد افزایش دهد، قیمت ارزهای خارجی افزایش یافت و... و هنوز دولت پایه حقوق کارگران را ابداع نکرده بود که با افزایش ۴۰ درصد تورم و سقوط قدرت خرید در سال جدید مواجه می گردد. و پس از آن ارزش ثبتي و دولتي دلار از ۳۳۰۰ به ۴۲۰۰ تومان صعود می کند! مسئله ای که به افزایش هزینه تولید و اقلام مصرفی خانوار می انجامد!

اخیرا نرخ ارز غیر رسمی در بازار آزاد تا مرز ۶۰۰۰ تومان افزایش یافت و دولت با افزایش قیمت ارز دولتی اعلام کرد که نرخ ارز ۴۲۰۰ تومان و تک رقمی خواهد شد. سیف رئیس بانک مرکزی نیز تاکید کرد که اگر بیش از ده هزار دلار در دست مردم باشد، پیگیری قانونی داشته و ارز آنها مصاده خواهد شد. هم زمان با این رویدادها فعالین کارگری به بررسی «رابطه افزایش قیمت دلار با تورم و کاهش قدرت خرید» کارگران پرداختند. از آنجا که بیش از ۷۰ درصد از واردات کشور به مواد خام در کارخانجات و مایحتاج مردم مربوط است، می توان حدس زد که افزایش قیمت دلار و دیگر ارزهای خارجی چقدر می تواند بر سرنوشت میلیونها ایرانی (خصوصا جنبش مزدگیران) تاثیر مستقیم داشته باشد! آنچه که در رابطه با وضعیت اسفبار اقتصاد کشور و نیروی کار در سال ۹۶ منعکس گردید نشان می دهد که تورم در کشور بیش از ۳۴ درصد بوده است. که هم اکنون با افزایش ۱۰۰۰ تومانی ارزش دلار در شروع سال ۹۷، مردم ایران باید متحمل ۴۰ درصد افزایش قیمت مواد مصرفی و حامل های انرژی باشند. با این احتساب می توان نتیجه گرفت که افزایش ۱۹/۸ درصدی حقوق پایه کارگران رابطه مستقیم با افزایش قیمت دلار و افزایش تورم دارد. و به این ترتیب با افزایش قیمت دلار تولید کننده و هم مزدگیران آسیب می بینند! البته کارفرما با افزایش قیمت محصولات خود بخشی از هزینه افزایش نرخ را جبران می کند، اما افزایش مزد کارگران نه تنها قدرت خرید کارگر در سال ۹۷ را افزایش نخواهد داد، بلکه با افزایش هزینه ها، حفظ همین قدرت خرید هم غیر ممکن خواهد بود.

تغییر قیمت ارزهای خارجی تاثیرات متعددی بر اقتصاد کشور دارد. از جمله تولید رانت در نهادها و شرکتهای دولتی و خصوصی وابسته، که با شگردهای پیچیده ای از تغییر قیمت ارزهای خارجی می توانند دهها میلیارد سود ببرند. از طرف دیگر افزایش نرخ ارز در بازار موجب افزایش هزینههای بنگاههای اقتصادی می شود که بر افزایش گرانی و تورم در رابطه با مواد اولیه کارخانجات و اقلام مصرفی می انجامد. جامعه ایران از دی ماه سال ۹۶ تا کنون اعتراضات متعدد صنفی داشته است. مطالباتی مطرح شد اما همچنان کارگران و مزدگیران نتوانستند به آن خواسته ها دست یابند. و جنبش مطالبه محور با همین شرایط به سال جدید ورود کرد. با این توضیح جنبش مزدگیران جمع بندی روشنی نسبت به وضعیت طبقاتی خودش ندارد. خصوصا که مبارزات صنفی در سال قبل نتوانست به تحقق خواسته ها منجر شود! بخشی از فعالین صنفی به این نظر هستند که؛ در سال پیش هیچ دستاورد مثبتی در مبارزات مزدگیران و تحقق خواسته هایشان وجود نداشت. جامعه مزدگیران که هنوز از سرگیجه بحران ۹۶ خلاص نشده، با افزایش تصاعدی قیمت دلار و ارزهای خارجی مواجه شد. مسئله ای که باعث می شود تا جنبش مزدگیران هر چه بیشتر با بحران تعدیل نیروی کار، قراردادهای سفید امضاء و... روبرو گردد. همانطور که دیدیم با افزایش ۲۰ درصدی مزد هم تغییر چشم گیری در بهتر شدن وضع نیروی کار بوجود نیامد.

بخشی از فعالین کارگری معتقدند؛ هیچ تغییر محسوسی در وضع طبقه کارگر بوجود نیامده و استدلال می کنند که سال قبل وقتی دلار ۳۷۰۰ هزار تومان بود، حداقل مزد ۲۴۵ دلار بود. امسال با دلار بالای ۵۰۰۰ هزار تومان، حداقل مزدی که ۱۸۶ هزار تومان زیاد شده، فقط ۲۱۹ دلار است. یعنی ما کارگران امسال حدود سی دلار ارزاتر شده ایم. ماهی سی دلار ارزاتر داریم کار می کنیم. این یعنی «عقبگردی حساب شده توسط سرمایه داری مالی تا باز هم به قدرت خرید زحمتکشان دستبندی آشکار زده باشند.» و با این حساب افزایش هزینههای تامین ارز را کارگران می پردازند.

تغییر قیمت ارزهای خارجی و نقش مخرب آن در جامعه، رابطه با تعارضات جمهوری اسلامی با دیگر کشورهای خارجی دارد! از آن جمله می توان به تحریم و برجام اشاره نمود. که در شکل دهی به چالشهای سیاسی و اقتصادی داخلی تاثیر میگذارد. همچون اعتراضات صنفی و تغییر قیمت ارز، کسری بودجه دولت، سیاستهای ضدتورمی و تغییر در میزان صادرات شرکتهای مختلف

توزیع کننده ارز به بازار داخلی نظیر شرکتهای پتروشیمی و معدنی، به همراه عوامل روانی و سفته بازی دلالتان و رانتی که از نوسانات قیمت نفت شکل میگیرد، و مستقیماً در زندگی زحمتکشان و مزدبگیران تأثیر میگذرد.

با توجه به سه میلیون و ۷۰۰ هزار تومانی سبد هزینه ماهانه خانوارهای کارگری و کمترین میزان حقوق یک کارگر و با در نظر گرفتن مزایای جانبی یعنی بن خواربار و حق مسکن که به یک میلیون و ۳۰۰ هزار تومان افزایش یافت و در حالی که هزینه سبد معیشت کارگران به چهار میلیون تومان نزدیک شده است. بنابراین افزایش ۲۰ درصدی حداقل مزد هم جوابگوی هزینه های زندگی کارگران نخواهد بود و دیگر حتی به ۱۰ روز در ماه هم نخواهد رسید. در کشوری که اقتصاد نفتی و رانتی حاکم است و جامعه ایران از طریق فروش نفت و با واردات ۷۰ درصد مواد مصرفی و مواد خام کارخانجات، به حیات اقتصادی جامعه ایران رقم میزند، نوسان قیمت ارز و افزایش قیمت کالاها امری محتوم خواهد بود. سیاست های اقتصادی در چهل سال حاکمیت جمهوری اسلامی همیشه با بحران همراه بود، و به این زمان خلاصه نمی شود. در آخرین اعتراضات وسیع اجتماعی که به دی ماه سال ۹۶ برمیگردد بیش از ۷۰ شهر ایران شاهد تظاهرات خیابانی بود که بخشی از این حرکات در رابطه با وضعیت وخیم اقتصادی خصوصاً در شهرهای کوچک رخ داد. در کنار ضعفهای ساختاری که در حرکتهای اعتراضی مشهود بود، سرکوبهای گسترده نیز عاملی گشت تا تحقق مطالبات را ناممکن سازد. و جنبش مطالبه گری در چنین بستری، اما سرخورده به سال جدید وارد شد. جنبش مزدبگیران در مرحله ای از مبارزه اجتماعی قرار دارد که ناچار است برای حفظ آنچه دارد، ایستادگی نماید. و در کنار آن به دنبال تحقق مطالبات انباشته شده در سال جدید باشد. بصورت پیگیر و مستمر در مبارزات صنفی شرکت نماید و برای مقابله با تأثیر افزایش تورم و سقوط ریال بروی درآمد و هزینه...



ادامه اعتراضات کشاورزان شرق اصفهان

علیرغم تهدیدهای مقامات رژیم، تجمع اعتراضی کشاورزان شرق اصفهان در اعتراض نسبت به عدم اختصاص حق آبه خود همچنان ادامه دارد. کشاورزان با برپایی تجمعات و راهپیمایی های اعتراضی و اعلام اینکه تا تحقق خواسته هایشان به تجمعات خود ادامه خواهند داد پاسخ دندان شکنی به تهدید های مجمع نمایندگان مجلس استان اصفهان و استاندار دادند و عزم راسخ خود را برای احقاق حقوق بحقشان بنمایش گذاشتند. گفتنی است مناطق شرق اصفهان بالغ بر ۳۰۰ هزار نفر جمعیت دارد که مردم آن اغلب به کشاورزی اشتغال دارند، اما خشکسالی، آنان را بشدت در معرض مشکلات شغلی و معیشتی قرار داده است. این کشاورزان که از مناطق «زیار، جرقویه، ورزنه، اژیه، هرنه، بران و خوراسگان» هستند، میگویند خشکسالی و جاری نشدن آب زاینده رود برای کشت پاییزه، مشکلات معیشتی آنان را دو چندان کرده است.

سرنوشت کشاورزان اصفهانی را نگاه کنید...

ناصر آقاجری فعال کارگری پروژه ای؛ بدترین اتفاق سال گذشته ادامهی بی تفاوتی به مطالبات «فقطبهی مردم» که همان کارگران و مزدبگیران هستند، بود. اینکه اعتراضات صنفی گسترده تر شد در ذات خود پیام مثبتی ندارد اما بدتر از آن بی توجهی به خواسته های این اعتراضات است. من بدترین اتفاق را سرنوشت ناکام اعتراضات کارگران و کشاورزان میدانم. شما به نتیجه تجمعات پی در پی کشاورزان اصفهانی که از زور بی آبی به خیابان ها آمده اند، نگاه کنید تا دریابید بدترین رویداد در سالی که گذشت، چیست. سرنوشت این کشاورزان را با دقت ببینید؛ نه تنها پاسخگوی آنها نیستند بلکه با آنها برخورد هم می شود. در سال گذشته هیچ اتفاق مثبتی برای کارگران رخ نداده است، من هیچ دستاورد مثبتی نمی بینم. این جریان افزایش ۱۹.۸ درصدی حداقل حقوق که برخی آن را «پیشرفت» و امتیاز برای کارگران می دانند، از دیدگاه من هیچ نقطه ی مثبتی نیست. گرچه از نمایندگان کارگری مذاکرات، به خاطر همه



زحمات و ایستادگی شان تشکر می کنم، اما تا زمانی که کنترل نرخ ارز در دست دولت است و شرکت های خصوصی صادرکننده تولیدات نیز مستقیم یا غیرمستقیم در ید اختیار دولت هستند، گران شدن ارز، روزبه روز قدرت خرید کارگر را کاهش می دهد. امسال باتوجه به افزایش نرخ ارز تقریباً قدرت خرید کارگران ۳۰ درصد کم شده، درحالی که مزد فقط ۱۹.۸ درصد زیاد شده؛ پس چطور می شود این افزایش مزدی را یک دستاورد مثبت دانست؟ با کدام متر و معیار این را موفقیت ارزیابی کنیم!؟

نصر من الله وفتح قريب ننگ بر این دولت مردم‌فریب!

نیروهای امنیتی سعی در کنترل اعتراضات خشمگینانه کشاورزان را داشتند. پلیس و نیروی انتظامی وسایر نیروهای امنیتی برای مقابله با تظاهرات کشاورزان معترض به کم‌آبی بسیج شده‌اند. کشاورزان اعلام کرده‌اند که این حرکت با حضور نیروی امنیتی و انتظامی متوقف نخواهد شد. مردم شعار میدهند: نصر من الله وفتح قريب ننگ بر این دولت مردم‌فریب - روحانی دروغگو زاینده رود ما کو. شایان ذکر است که پیش از این نیز کشاورزان معترض اصفهانی در روزهای دوشنبه ۲۰ فروردین ماه و پنجشنبه دوم فروردین ماه ۹۶ در مقابل سازمان آب در اصفهان تجمع اعتراضی برگزار نمودند و به مشکل بی‌آبی و عدم حل آن توسط مسئولین حکومتی اعتراض کردند.

سنگینی افزایش نرخ ارز بر دوش کارگر ایرانی

کارفرمایان که با افزایش نرخ ارز از مسیرهای مختلفی سعی در جبران هزینه‌های تولید دارند، با افزایش ۸ یا ۱۲ درصدی مزد کارگر به اذعان کارشناسان بازار کار آسیب نخواهند دید، اما کارگر باید شاهد ذوب شدن سرمایه خود باشد. طی سال‌های گذشته با وجود افزایش دستمزد بیش از نرخ تورم اعلامی دولت همچنان شاهد عقب‌ماندگی در تأمین هزینه‌های زندگی یک خانوار تقریباً ۴ نفره کارگری نسبت به حداقل دستمزد است. بنابراین حداقل دستمزد ۹۳۰ هزار تومانی در سال ۹۶ فاصله نزدیک به ۲ میلیون تومانی با سطح یک زندگی عادی و متوسط در جامعه دارد و با توجه به افزایش ۲۰ درصدی آن به نظر می‌رسد باز هم فاصله دستمزد با هزینه‌های سبب معیشت جبران نشود. اخیراً نرخ ارز غیر رسمی که مرجع عمده کالاهای اساسی است، سر به فلک کشیده و تا محدوده ۵۵۰۰ تومان هم رسیده است و همین موضوع تورم دوباره‌ای در اقتصاد کشور و قیمت عمده کالاهای سبب معیشت کارگری ایجاد می‌کند که منجر به کاهش قدرت خرید خواهد شد. نکته قابل تأمل در این ماجرا سنگینی بار افزایش نرخ ارز بر دوش کارگران کشور است، چرا که کارفرما با افزایش قیمت محصولات خود بخشی از هزینه‌های خود در افزایش نرخ را جبران خواهد کرد، اما کارگران همچنان شاهد ذوب شدن ریال‌شان در برابر ارز باشند. با این حساب افزایش ۱۲ درصدی مزد کارگران نه تنها قدرت خرید کارگر در سال ۹۷ را افزایش نخواهد داد، بلکه حفظ همین قدرت خرید از دست رفته شاید غیر ممکن باشد.

مابه‌التفاوت نرخ ارز دولتی با آزاد به جیب شبه دولتی‌ها و خصوصی‌ها می‌رود!

احسان سلطانی (کارشناس بازار ارز و صنعت) در مورد رانت در اقتصاد ایران گفت: ... متأسفانه گسترش رانت و فساد در بازارهای مختلف اقتصاد ایران مانند ارز و مسکن باعث به حاشیه رانده شدن موضوع کار شده است، بطوری که کل حقوق و دستمزد نیروی کار صنعتی در بخش‌های رسمی و غیررسمی کشور تقریباً ۵۰ هزار میلیارد تومان است در حالی که نرخ بهره بانکی پرداخت شده ۲۰۰ هزار میلیارد تومان است و در مواقعی قیمت‌های نامتعارف در بخش زمین و مسکن رانت ۱۰۰ هزار میلیارد تومانی را نصیب صاحبان آن کرده است. اقتصادی که در آن بحث کار بی‌ارزش و تولید به نفع نیروهای سفته‌باز، رانتی و غیرمولد تضعیف می‌شود فرجامی جز نابودی نخواهد داشت و جالب آنکه این رانت توزیع شده با شعار حمایت از تولید کننده داخلی صورت می‌گیرد. در تمامی اقتصادها برای حمایت از تولید و اشتغال، از کسانی که در بخش‌های مستغلات، ارز و سود بانکی منافع کلان دارند مالیات گرفته و در میان بخش‌های مولد و اشتغال‌زا توزیع می‌کنند در حالی که در کشور ما انواع سوبسیدها را به گروه‌های مافیایی پرداخت می‌کنند و به فربه‌تر شدن این بخش‌ها کمک می‌کنند. وی در مورد رابطه اختلاف تقریباً ۱۵۰۰ تومانی نرخ ارز دولتی و آزاد با رانت، گفت: برای توضیح این نوع رانت اشاره‌ای می‌کنم به بخش پتروشیمی که متنفع از این اختلاف قیمتی است. این بخش خوراک گاز را به قیمت ارز مبادله‌ای دریافت می‌کند در حالی که فروش آن براساس نرخ آزاد است و با در نظر گرفتن صادرات تقریباً ۱۰ میلیارد دلاری و ما به التفاوت ۱۵۰۰ تومانی نرخ ارز، رانتی تقریباً ۱۵ هزار میلیارد تومانی نصیب این بخش می‌شود و این جدا از فروش داخلی است. این ارقام عجیب و غریب و باور نکردنی که از مابه‌التفاوت نرخ ارز به جیب شرکت‌های شبه دولتی، خصوصی و دولتی می‌رود به زیان اقتصاد کشور است و به نوعی ساخته و پرداخته خود دولت است.

بازنشستگان کیان تأیر خواستار کل مطالبات خود هستند

بیش از ۳۰۰ نفر از کارگران بازنشسته کارخانه کیان تأیر در اعتراض به خلف وعده وزارت صنعت، معدن و تجارت و هتیت حمایت از صنایع که در جایگاه کارفرمای آنان قرار دارند، مقابل کارخانه تجمع کردند. این کارگران که مطابق توافق قرار بود طی دو سال سنوات ایام کار که برای هر کدام از آنان مبلغ یک میلیارد و ۴۰۰ میلیون تومان است و به ۴۰۰ نفر تعلق می‌گیرد، به آنان پرداخت شود. اما دستگاه‌های نامبرده فوق از اجرای این توافق طفره می‌روند. بازنشستگان که طی سال گذشته بارها در اعتراض به این خلف وعده تجمعاتی برگزار کرده بودند، خواهان پرداخت کلیه مطالبات خود هستند. اعتراض آنان ادامه نارضایتها و اعتراضات گذشته آنان است که، تا دریافت کل مطالبات ادامه خواهد یافت.

سی هزار کارگر پار سال دچار حادثه شدند؛ قطع انگشت بیشترین حوادث بود

داریوش پناهی زاده ... گفت که بیش از ۳۰ هزار مورد حادثه ناشی از کار در سال گذشته داشته ایم که به لحاظ آماری در کارگاه های تحت پوشش اداره کل شرق تهران تعداد حوادث کار بیشتر بوده است. وی با تاکید بر اینکه نرخ حوادث ناشی از کار در کشور ما بالا است، گفت سال گذشته بیش از ۳۰ هزار کارگر دچار حادثه شدند و بیشترین حوادث ناشی از کار مربوط به دستان و انگشتان کارگران است. ۱۲ میلیون و ۶۰۰ نفر بیمه شده ما هستند که نرخ بروز حادثه بر اساس تعداد کارگران و بیمه شدگان محاسبه می شود که ۱.۵۶ است و در استانهای مختلف باتوجه به تعداد کارگاهها و بیمه شدگان متفاوت است. بیشترین نرخ بروز حادثه با ضریب ۵ در استان قزوین و کمترین نرخ بروز حادثه (۳۴ صدم) در کارگاههای تحت پوشش اداره کل شرق تهران بوده است، البته تعداد کارگاه های برخی از استان ها بیش از سایرین است و بر همین اساس نرخ حوادث ناشی از کار نیز در آنها بیشتر است و در مجموع باید فرهنگ رعایت نکات ایمنی در محیط کار رعایت شود در حالی که رعایت نکات ایمنی در کشور پایین است.

اعتراضهای زنجیره ای مالباختگان موسسه کاسپین در سال جدید

گروهی از معترضان مقابل ساختمان مجلس در تهران تجمع کردند. گزارش های تأیید نشده حکایت از بازداشت گروهی از تجمع کنندگان از سوی پلیس دارد. در تجمع مقابل ساختمان استانداری شهر رشت نیز حضور زنان پر رنگ بود و آنها شعار می دادند: «صندوق خالی کردن همه رو بیچاره کردن» و «پولای ما گم شده، زیر عبا گم شده». گروهی از مالباختگان این موسسه در مشهد نیز با برگزاری تجمعی شعار می دادند: «به ما خیانت شده نقض امانت شده». کرمان نیز از دیگر شهرهایی بود که شاهد برگزاری تجمع اعتراضی گروهی از مالباختگان موسسه «کاسپین» بود. در «پارس آباد» استان اردبیل نیز تجمع مشابهی برگزار شده است. این تجمعات در پی انتشار فراخوانی در شبکه های اجتماعی برگزار شد. در یک سال گذشته تجمع ها و اعتراض های متعددی در شهرهای مختلف ایران علیه مؤسسات مالی و اعتباری برگزار شده است. اغلب این تجمع ها در اعتراض به از بین رفتن یا پرداخت نکردن اصل و سود سپرده های مردم توسط این مؤسسه ها برگزار شده اند. موسسه اعتباری «کاسپین» در اسفند ماه ۱۳۹۴ با ادغام هشت تعاونی اعتباری غیرمجاز از شورای پول و اعتبار مجوز گرفت. در یک سال گذشته هیات های تسویه این تعاونی ها و بانک مرکزی مشغول شناسایی دارایی ها و صورت حساب های آنها بودند تا بانک مرکزی به تناسب دارایی های شناسایی شده، خط اعتباری برای تعیین تکلیف سپرده های مردم در اختیار «کاسپین» قرار دهد. روند پرداخت بدهی این موسسه از سال گذشته آغاز شده، اما تاکنون تعداد زیادی از مالباختگان به اصل پول و سود مورد انتظار خود دست نیافته اند.

تعدیل بر تعداد کارگران اصناف مختلف در سال جدید

با شروع سال جدید یازده نفر از کارگران کارخانه «ارکان ثالث» پالایشگاه استان ایلام، حدود شصت نفر از کارکنان مراکز بهداشت شهرهای مختلف استان خوزستان و بیش از ۱۳۰ کارگر کارخانه «مقره سازی» ساوه بیکار شدند. همچنین تعدادی از کارگران کارخانه نیمه تعطیل «شیرآلات سیمگون» نیز نگران امنیت شغلی خود هستند. کارکنان ارکان ثالث پالایشگاه استان ایلام از تعدیل برخی همکاران خود خبر دادند. این کارگران می گویند: «یازده نفر از همکاران ما در روزهای ابتدایی سال جدید بیکار شدند». از قرار معلوم تعدادی از این کارگران تعدیلی، اعضای شورای اسلامی کار این واحد تولیدی بوده اند و همین مساله موجب نگرانی بیشتر کارگران شده است. «کارفرما بایستی در ارتباط با چرایی این تعدیل ها ما را قانع کند. باید بدانیم چرا همکارانمان در ابتدای سال جدید بیکار شده اند؛ در غیر این صورت موضوع را از مقامات بالاتر پیگیری می کنیم». کارگران ارکان ثالث پالایشگاه گاز استان ایلام در روزهای پایانی سال گذشته در اعتراض به کاهش مزایای مزدی خود تجمع اعتراضی برگزار کردند که این اعتراض دو روزه با وعده کارفرما به پایان رسید. این کارگران در عین حال که برای سرنوشت همکارانشان ابراز نگرانی می کنند، می گویند: «منتظر تحقق وعده های داده شده هستیم و از کارفرما می خواهیم هرچه زودتر قول های داده شده را اجرایی کند».

موج بیکاری برای کارکنان تعدیلی مراکز بهداشت خوزستان

حدود شصت نفر از کارکنان مراکز بهداشت شهرهای مختلف استان خوزستان که عمدتاً مدیران این مراکز هستند، از کار بیکار شده اند. این کارکنان تعدیلی در شهرهای ایذه، باوی، حمیدیه، مسجد سلیمان، سوسنگرد، اندیمشک، رامهرمز، اهواز و ماهشهر شاغل بودند که از روز هفتم فروردین ماه، موج بیکاری آنها آغاز شده است. یکی از این کارکنان که در مرکز بهداشت شرق اهواز مشغول به کار بوده، می گوید: بعد از نزدیک به سه سال کار کردن، به ما گفتند دیگر به خدمات شما نیازی نداریم؛ حالاً نمی دانیم به کجا مراجعه و حقوق مان را از چه کسی مطالبه کنیم. او با بیان اینکه روز گذشته مقابل استانداری خوزستان تجمع کردیم اما پاسخ مشخصی نگرفته ایم. وزارت بهداشت به عنوان کارفرمای اصلی باید پاسخگویی ما باشد و راهی پیدا کند تا از این بن بست خارج شویم. مسئولان دانشگاه علوم پزشکی اهواز این تعدیل ها را نتیجه دستور وزارتی می دانند و می گویند: براساس دستور وزارتی، مدیران مراکز بهداشت شهرهای استان خوزستان از کار بیکار شده اند.

کارگران کارخانه شیرآلات سیمگون نگران امنیت شغلی خود هستند

تعدادی از کارگران کارخانه شیرآلات سیمگون که شمار آنها تا ۷۰ نفر برآورد می‌شود، به‌صورت قراردادی در این واحد صنعتی نیمه تعطیل مشغول به کار هستند. به گفته این کارگران، هرچند بارها شرایط دشوار کاری آن‌ها از رسانه‌های جمعی اطلاع‌رسانی شده است اما تاکنون هیچ توجهی به تغییر شرایط یا رسیدگی به وضعیت این کارگران نشده است. موضوعی که به تفسیر این افراد ناشی از مهم نبودن این وضعیت برای کارفرما به حساب می‌آید. این کارگران خواستار آن هستند که به قراردادهای سفید امضا، حقوق‌های معوق ۱۲ تا ۱۳ ماهه و پرداخت حق بیمه‌های همراه با تأخیر پایان داده شود.

آنچه برای این کارگران حائز اهمیت است، دریافت مطالبات و حفظ امنیت شغلی است؛ چراکه در منطقه محل کار آنها فرصت شغلی دیگری وجود ندارد اما آن‌ها باید پاسخگوی نیازهای خانواده‌هایشان باشند. به گفته این کارگران که هریک از آن‌ها دارای سوابقی بین ۱۵ تا ۲۰ سال هستند، جدا از معوقات مزدی ۱۳ ماهه، پرداخت سنوات حدود ۸ سال به تعویق افتاده است. همچنین عیدی کارگران در سه سال گذشته پرداخت نشده است. این کارگران همچنین می‌گویند چندین سال است کارفرما به دلایلی که ما کارگران از آن بی‌اطلاعیم کارخانه را رها کرده و ما کارگران سرگردان شده‌ایم. کارگران سیمگون می‌گویند که؛ در این واحد هیچ مسئولی نیست که پاسخوی کارگران باشد. به سبب بدهی‌های انباشته هرچند وقت یکبار طلبکاران مالی شرکت به کارخانه می‌آیند و فعالیت تولیدی آن را متوقف می‌کنند. از آنجا که این کارخانه ظرفیت اشتغال حدوداً ۶۰۰ کارگر را دارد و برای فروش محصولات تولیدی خود هیچ مشکلی ندارد، از مسئولان درخواست داریم برای رفع مشکلات پیش آمده که امنیت شغلی کارگران را به خطر انداخته، چاره‌اندیشی کنند.

بیش از ۱۳۰ کارگر مقره‌سازک ساوه بیکار شدند

برخی منابع کارگری در کارخانه مقره‌سازی اعلام کردند: بیش از ۱۳۰ کارگر شاغل در این کارخانه بعد از پایان تعطیلات نوروزی از کار بیکار شده‌اند. کارخانه «مقره‌سازی» واقع در شهرستان ساوه به دلیل نامعلومی دچار مشکل شده و در آستانه تعطیلی قرار دارد. از مجموع ۱۵۰ کارگر کارخانه مقره‌سازی، حدود ۱۳۰ کارگر اخراج شده و مابقی برای نگهداری از ماشین‌آلات و محافظت اموال در کارخانه باقی مانده‌اند. کارگران این کارخانه روز گذشته برای پیگیری وضعیت اشتغال خود مقابل ساختمان فرمانداری ساوه تجمع کرده بودند، کارفرما تأکید دارد کارگران بیکار شده برای دریافت مقرری بیمه بیکاری به اداره تعاون کار و رفاه اجتماعی معرفی شوند. آنها با تأکید بر لزوم تأمین امنیت شغلی کارگران این واحد تولیدی از سوی دولت، می‌گویند: کارگران این کارخانه انتظار دارند با حمایت دولت به کارشان بازگردند. نگرانی‌هایی که کارگران به واسطه دریافت نکردن مطالبات معوقه خود متحمل شده‌اند هم‌اکنون با تصمیم کارفرما برای تعطیلی کارخانه، دوچندان شده است.

اعتراض به عدم پرداخت سنوات

حدود ۳۰۰ نفر از کارگران بازنشسته کارخانه کیان تأیر در اعتراض به پرداخت نشدن بخشی از سنوات ایام خدمت مقابل کارخانه اقدام به برگزاری تجمع اعتراضی کردند.



امیدوارم انفعال صنفی کارگر خنثی شود

حسین حبیبی دبیر کانون هم‌هنگی شوراهای اسلامی کار استان تهران؛ بدترین اتفاق سال گذشته را «مصادره‌ی منابع کارگران» با همدستی دولت، مجلس، شورای نگهبان و مجمع تشخیص مصلحت نظام می‌داند و می‌گوید: همه بالادستی‌ها با هم همدست شدند تا اموال کارگران را به حساب خزانه‌داری کل واریز کنند. اشاره او به تصویب بند «ز» تبصره ۱ هفت لایحه بودجه است که علیرغم اعتراضات گسترده کارگران و حتی برگزاری تجمع مشترک کارگران شاغل و بازنشسته مقابل شورای نگهبان، هم از تصویب وکلای ملت (به تعبیر کارگران وکیل‌الدوله‌ها) در مجلس گذشت و هم شورای نگهبان بر این تصویب، صحه گذاشت... مذاکرات مزدی امسال، شروع خوبی برای چانه‌زنی با قدرت بود و تداوم این روند می‌تواند انفعال صنفی کارگر را خنثی کند.

ما کارگران امسال حدود سی دلار ارزان‌تر شده‌ایم

مازیار گیلانی‌نژاد فعال صنفی کارگران فلزکار؛ بدترین اتفاق دستبرد آشکار و در روز روشن به اموال کارگران بود. تصویب بند «ز» تبصره هفت در لایحه بودجه از نگاه او، غارت دولتی اموال کارگران است... واقعاً سال پیش هیچ دستاورد مثبتی نداشت. این افزایش حدود ۲۰ درصدی مزد را هم نمی‌توان گام مثبت تلقی کرد. سال قبل وقتی دلار ۳۷۰۰ هزار تومان بود، حداقل مزد ۲۴۵ دلار بود. امسال با دلار بالای ۵۰۰۰ هزار تومان، حداقل مزدی که ۱۸۶ هزار تومان زیاد شده، فقط ۲۱۹ دلار است. یعنی ما کارگران امسال حدود سی دلار ارزان‌تر شده‌ایم. ماهی سی دلار ارزان‌تر داریم کار می‌کنیم. این یعنی عقب‌گردی حساب شده توسط سرمایه‌داری مالی تا باز هم به قدرت خرید زحمتکشان دستبردی آشکار زده باشند.

بی اطلاعی از وضعیت دو بهائی بازداشت شده

میترا بدرنژاد (زهدی) بیش از یک ماه است که توسط مأموران وزارت اطلاعات در شهر اهواز بازداشت شده است و تاکنون هیچ‌گونه اطلاع از اتهام، محل نگهداری و طول مدت بازداشت او در دست نیست. «روزبه زهدی»، پسر او به «ایران وایر» می‌گوید: مادرم در روز شنبه ۱۲ اسفند توسط مأموران اداره اطلاعات در منزل بازداشت شد. پس از دو روز به پدرم گفتند که زندانی به مدت یک ماه بازداشت و ممنوع از ملاقات است. اما در روز سه‌شنبه ۱۴ فروردین، پس از تعطیلات نوروزی که پدرم مراجعه کرده، به او گفته‌اند بازجویی تمام نشده و ممکن است یک ماه تا ۴۰ روز دیگر بازداشت مادرم طول بکشد و از آزادی او خبری نخواهد بود. در رویدادی دیگر، مأموران وزارت اطلاعات در شهر شیراز به منزل یک شهروند بهائی به نام «فرج الله بنگاله» رفته و پس از بازرسی کامل محل و ضبط کتاب‌ها، اوراق مربوط به آیین بهائی و کامپیوتر و لپ‌تاب، او را هم بازداشت و به اداره اطلاعات شیراز که به «پلاک ۱۰۰» معروف است، انتقال داده‌اند. در همان زمان، منزل «پیام پرتویی»، همسایه بهائی آقای بنگاله را هم بدون حکم مورد تفتیش قرار داده و وسایل شخصی او، از جمله لپ‌تاپ و کتاب‌های مذهبی وی را نیز ضبط می‌کنند. یکی از نزدیکان فرج الله بنگاله به «ایران وایر» گفت وقتی برای کسب خبر به اداره اطلاعات شیراز مراجعه کرده، به آن‌ها گفته‌اند که او به اهواز منتقل شده است. با گذشت بیش از یک هفته از بازداشت این شهروند بهائی، خانواده بنگاله هنوز هیچ‌گونه اطلاعی از اتهام و محل نگهداری او ندارند. بیش از ۳۰۰ هزار نفر بهائی در ایران زندگی می‌کنند... که چهار دهه مورد آزار حاکمیت قرار دارند.

ممانعت از شرکت حاکم شرع مردمی کردستان در همایش فارغ التحصیلی زاهدان

وزارت اطلاعات با احضار کاک حسن امینی حاکم شرع و روحانی برجسته اهل سنت کردستان از وی خواست در همایش فارغ التحصیلی طلاب اهل سنت در زاهدان مشارکت نکند. دفتر محکمه شرعی کردستان با انتشار بیانیه‌ای اعتراض کرد در بخشی از این بیانیه آمده که؛ در آستانه‌ی برگزاری مراسم صیرفا دینی فارغ التحصیلی طلاب و حفاظ حوزه‌ی دارالعلوم زاهدان، اداره‌ی کل اطلاعات استان کردستان، مانع از شرکت استادکاک حسن امینی حاکم شرع مردمی کردستان و رئیس مدرسه‌ی امام بخاری سنندج، در این مراسم شدند... در شرایط بحرانی کنونی منطقه، این اقدامات خلاف عقل و عرف و دین و قانون، جز ایجاد بدبینی و نومی‌دی در میان مردم نسبت به حاکمیت، فایده‌ی دیگری ندارد. قطعی و مسلم است که این قبیل کارهای خلاف قانون، از مصادیق آب به آسیاب دشمن ریختن است و شدیداً محکوم و منفور است.

توجه به خواسته‌های جامعه اهل سنت از لحاظ سیاسی واجب است

مولانا عبدالحمید: ... مهمترین خواسته جامعه اهل سنت کشور آن است که بین اقوام و مذاهب ایران تفاوتی وجود نداشته باشد. مسئولین نظام جمهوری اسلامی نباید بین اقوام و مذاهب تفاوت قائل باشند، بلکه باید همه را با یک دید بنگرند. جامعه اهل سنت دین و وطنش را دوست دارد و در طول این مدت از اختلاف دوری کرده و وحدت را حفظ کرده است که امنیت موجود در کشور نیز مرهون همین وحدت است. جامعه اهل سنت که در صحنه‌های مختلف به وظیفه خود در قبال نظام جمهوری اسلامی عمل کرده است، از دولت و حاکمیت انتظار دارد که به حقوق قانونی‌اش رسیدگی شود. باید در مدیریت استانی و کشوری به اهل سنت سیستان و بلوچستان و کشور توجه شود. باید اهل سنت در کشور دیده شوند. این توجه و رسیدگی برای حفظ وحدت و امنیت پایدار از لحاظ سیاسی واجب است. مولانا عبدالحمید بر لزوم پیگیری حقوق قانونی جامعه اهل سنت توسط علما، نمایندگان، مسئولین، دانشگاهیان و اندیشمندان تاکید و توصیه کردند... خشکسالی و مشکلات اقتصادی به شدت بر مردم فشار آورده‌اند. باید برای اشتغال مردم چاره‌اندیشی و برنامه‌ریزی شود. با توجه به اینکه مردم سیستان و بلوچستان با مشکل «فقر» و «بیکاری» دست‌وپنجه نرم می‌کنند، از مسئولین انتظار داریم که مرزها را باز کنند تا مردم به کسب و کار بپردازند. علی‌رغم تمام تاکیداتی که می‌شود چرا مرزها بازگشایی نمی‌شوند؟ نباید نهادها و ارگان‌های دولتی اقدام به تجارت و توزیع سوخت در مرزها بکنند، بلکه این کار را به مردم مرزنشین و اگذار کنند تا مردم از این طریق امرار معاش کنند و به کارهای غیرقانونی رو نیاورند.

ممانعت از سفر مولوی گرگیج به بلوچستان

وزارت اطلاعات بار دیگر از سفر مولوی گرگیج به زاهدان جهت شرکت در همایش‌های دانش آموختگی مدارس دینی این استان جلوگیری کرد. این روحانی اهل سنت در ۷ سال گذشته فقط یکبار آن‌هم در سال ۱۳۹۳ اجازه سفر به زاهدان به منظور شرکت در همایش مذکور را یافت. بر پایه گزارش‌های دریافت شده در سال‌های اخیر همایش دانش آموختگی طلاب اهل سنت زاهدان با محدودیت‌های بسیاری از سوی حکومت مواجه بوده است از جمله کاهش دادن زمان مراسم از ۲ روز به یک روز. این مراسم با شرکت علماء بزرگ خارج از کشور از جمله هند، لبنان، سوریه، عربستان سعودی، امارات متحده عربی، پاکستان، تاجیکستان، افغانستان و... برگزار می‌شد.



رضا ملک زندانی سیاسی به ۱۰ سال حبس محکوم شد

شعبه ۲۸ دادگاه انقلاب به ریاست مقیسه، رضا ملک زندانی سیاسی محبوس در زندان اوین را به اتهامات «تشویش اذهان عمومی»، «تبلیغ علیه نظام» و «توهین به رهبری» به ۱۰ سال حبس محکوم کرد.

محرومیت درمانی محمد عزیزی پس از گذشت ۷ ماه

محمدجان عزیزی، ۲۱ ساله، زندانی متهم به اقدام علیه امنیت ملی در زندان زاهدان است که در زمان بازداشت به دلیل اصابت گلوله از ناحیه دست دچار جراحت جدی شده است. با گذشت ۷ ماه از زمان دستگیری و مشکلات پزشکی از جمله از کار افتادگی دست راست از ناحیه مچ و تاندن‌ها و با وجود چندین بار مراجعه به بهداری زندان هنوز هیچ گونه اقدام مناسبی برای درمان این زندانی صورت نگرفته است. این زندانی چندین بار به بهداری زندان منتقل شده اما هیچ گونه اقدامی برای درمان او صورت نگرفته است و در حال حاضر توانایی کار با دست راست خود را به طور کامل از دست داده است. محمد ۲۱ ساله را یک ماه در بازداشتگاه وزارت اطلاعات شهر زاهدان نگه داشتند. آقای عزیزی علیرغم طولانی شدن زمان بازداشت و چند بار حضور در دادگاه، همچنان بدون صدور حکم و به صورت بلاتکلیف در بند ۳ زندان زاهدان به سر می‌برد. بسیاری از زندانیان بلوچ و سنی مذهب در این زندان نگهداری می‌شوند. در این زندان، زندانیان از حداقل زیرساخت‌های یک زندان محروم هستند و گزارش‌های متعددی از فوت زندانیان در سایه‌ی عدم رسیدگی پزشکی در این زندان منتشر شده است.

سازمان دیده‌بان حقوق بشر خواستار آزادی گلرخ ایرایی شد

سازمان دیده‌بان حقوق بشر طی بیانیه‌ای اعلام کرد که ایران باید فوراً گلرخ ایرایی، مدافع حقوق بشر بستری شده در بیمارستان را آزاد کند. این مدافع حقوق بشر از ۶۷ روز پیش دست به اعتصاب غذا زده و در پی وخامت وضع جسمی در شصتین روز از اعتصاب غذای خود به بیمارستانی در تهران منتقل شده است. گلرخ ایرایی در روز سوم آوریل در پی مشکلات پزشکی ناشی از اعتصاب غذا از زندان به بیمارستان منتقل شد. مقامات در ۹ آوریل به خانواده‌ی او اجازه‌ی ملاقات دادند. وی بعد از محاکمه‌ای ناعادلانه در آوریل ۲۰۱۵ بنا به اتهاماتی که صرفاً متوجه فعالیت مسالمت‌آمیز او می‌شد به شش سال زندان محکوم شد. گلرخ ایرایی مدافع حقوق بشر در تاریخ ۱۵ شهریور ۹۳ به همراه همسرش (آرش صادقی) بازداشت و در اردیبهشت ۹۴ به اتهام توهین به مقدسات و تبلیغ علیه نظام به ۶ سال حبس تعزیری محکوم شد که این حکم در شعبه ۵۴ دادگاه تجدیدنظر بدون حضور وی تایید شد. در ۲۴ ژانویه ایرایی و آتنا دائمی را از زندان اوین در تهران به زندان قرچک در شهر ورامین منتقل کردند که مشهور است شرایطی بدتر از اوین دارد. خانواده‌ی دائمی و ایرایی گزارش داده‌اند که این دو فعال در سه فوریه در اعتراض به انتقالشان از اوین دست به اعتصاب زدند. دائمی در ۲۶ فوریه اعتصابش را پایان داد، اما ایرایی اعتصابش را تا زمان انتقال به بیمارستان در ۳ آوریل ادامه داد. در ۳ آوریل، خانواده‌ی ایرایی به امید ملاقات او در زندان به ورامین رفته بودند. وقتی به زندان رسیدند مقامات به آنها گفتند که او به بیمارستانی در تهران منتقل شده است اما از ارائه‌ی اطلاعات بیشتر درباره‌ی مکان یا وضعیت او امتناع کردند. در ۹ آوریل مقامات بالاخره به پدر ایرایی اجازه دادند تا در بیمارستانی در تهران از او ملاقات کند. ملاقات حدود یک ساعت طول کشیده است، و مشخص بوده است که ایرایی وزن زیادی از دست داده است.

خواهر سام رجبی؛ دعا می‌کنم برادرم زنده باشد

با گذشت بیش از ۷۰ روز از بازداشت فعالان محیط‌زیستی در ایران، وضعیت پرورنده این بازداشت‌شدگان همچنان مشخص نیست. در همین زمینه خواهر سام رجبی گفت که هر روز دعا می‌کنم برادرم زنده باشد و بی‌خبری دلیل خاصی نداشته باشد. دست ما از همه جا کوتاه است. خواهر سام رجبی گفت که برادرش هفته اول فروردین یک ملاقات حضوری با مادرش داشته است. اینطور که به من گفته شد حال روحی خوبی نداشته، دو ماه در انفرادی بوده، بشدت لاغر شده و می‌لرزیده. به سام گفته شده می‌تواند تقاضای لباس و غذا کند که سام از مادرش تقاضای نان کرده اما از آن زمان تاکنون تماس کاملاً قطع شده است. چرا قانون اجرا نمی‌شود؟ چرا اجازه وکیل نمی‌دهند، وکیل وکالت نامه را فرستاده تا سام امضا کند اما هفته پیش اعلام کردند که وکالت‌نامه را گم کرده‌اند. هومن جوکار، امیرحسین خالقی، سام رجبی، ظاهر قدیریان، نیلوفر بیانی، سپیده کاشانی، مراد طاهباز و کاووس سیدامامی اوایل بهمن ماه امسال دستگیر شدند. دو هفته بعد از بازداشت به خانواده آقای امامی اعلام شد که او در زندان خودکشی کرده و جان باخته است. در ادامه روند بازداشت‌ها حسن راغ، عارف زارع، حسن زارع، عبدالرضا کوهپایه و علیرضا فرهادزاده نیز در هفته‌های اخیر بازداشت شده‌اند. در همین زمینه بیش از ۲۰۰۰ نفر از دانشگاہیان و فعالان مدنی نیز با انتشار نامه‌ای سرگشاده خطاب به حسن روحانی، خواستار ابهام زدایی درباره مرگ کاووس سیدامامی در زندان شده بودند.

از ۲۸ فروردین اعتصاب غذا می‌کنم

نامه سرگشاده اسماعیل عبدی: نوروز ۹۷، چهلمین نوروز پس از انقلاب است، انقلابی که با وعده عبور از دیکتاتوری، استقرار دموکراسی، ایجاد شفافیت و جلوگیری از انباشت ثروت در دست طبقه‌ای خاص در سال ۵۷ به وقوع پیوست. انقلابی که به گفته روحانیون و برخی گروه‌های سیاسی قرار بود در ایران پیام‌آور صلح و آزادی و پایان‌دهنده فقر و تبعیض باشد، به‌گونه‌ای که مردم علاوه بر آب و برق مجانی! دارای حقوقی چون آزادی اندیشه و بیان، آموزش و پرورش رایگان و برابر، تشکیل انجمن و اتحادیه، اعتراض و اعتصاب، تجمع و راهپیمایی و تساوی در برابر قانون باشند. اما این آرمان‌ها در حد شعار باقی ماند و نعمات و سفره انقلاب به جای فقرا، نصیب اصحاب زر و زور و تزویر شد و در این مدت گروه‌هایی به میدان آمدند که با تبلیغات رسانه‌ای حکومت، با وعده بهبود وضعیت معیشت و منزلت، اعتقادات و ارزش‌های اجتماعی مردم را دستمایه جذب آرا قرار داده و تمام مدت مشغول ثروت‌اندوزی از بیت‌المال بودند و حالا به یمن رقابت‌های جناحی، پرده از اسرار هم برمی‌دارند.

... پس از برجام در حالی که مسئولان جمهوری اسلامی در تریبون‌ها از پابندی نظام به اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاق‌های بین‌المللی سخن می‌رانند، بخش‌هایی از حاکمیت حتی به قانون اساسی که خود تدوین‌گر آن بوده‌اند، وفادار نیستند. آنان با ایجاد فضای امنیتی برای اندک تشکل‌های مستقل صنفی کارگران و معلمان و سرکوب تجمعات مسالمت‌آمیز و پرونده‌سازی برای فعالان صنفی و صدور احکام زندان با اتهاماتی نخوانده، مانند اقدام علیه امنیت ملی، در دادگاه‌های فرمایشی بدون هیأت منصفه، سعی دارند تضادهای موجود در سطوح مختلف جامعه را کنترل و منتقدان را سرکوب نمایند... اینجانب ضمن اعلام همبستگی با تمام معلمان و کارگران جهان، به عنوان یک آموزگار و عضو هیأت مدیره تشکل

قانونی کانون صنفی معلمان تهران، دارای مجوز از وزارت کشور نسبت به عواقب شوم برخوردهای سلیقه‌ای و غیرقانونی در قوه قضاییه هشدار می‌دهم و در اعتراض به نقض گسترده حقوق شهروندی معلمان و کارگران ایران و با درخواست مشخص برگزاری دادگاه علنی و برخورداری از حقوق قانونی در پرونده‌ام همچون استفاده از حق مرخصی طبق ماده ۵۲۰ و مرخصی استعلاجی جهت درمان، (که اکنون به شکل غیرقانونی مسدود شده است) از تاریخ سه شنبه ۲۸ فروردین ۱۳۹۷ اعتصاب غذا خواهم کرد. بدیهی است عواقب ناشی از این اعتصاب غذا بر عهده قوه قضاییه است. اسماعیل عبدی زندان اوین، بند ۴ سالن ۴ فروردین ۱۳۹۷ - رونوشت به: سازمان جهانی معلمان Ei - سازمان جهانی کار ilo - سازمان عفو بین‌الملل.



تجمع معلمان خرید خدمات در مقابل استانداری کرمان

جمعی از معلمان خرید خدمات شهرستانهای قلعه‌گنج و رودبار جنوب در اعتراض به عدم دریافت حقوق سال ۹۶، مقابل استانداری کرمان اقدام به برگزاری تجمع کردند.



مطالبات معیشتی زنان، ضرورتی که باید به آن پرداخت

وضعیت زنان در بازار کار ایران

طبق شهادت آمارهای رسمی، هرگز در طول تاریخ معاصر ایران مشارکت زنان در بازار کار از ۱۴ درصد فراتر نرفته است. این میزان، معرف یکی از پایینترین مشارکت‌ها در میان کشورهای مختلف جهان است. ساختار حکومتی در ایران با الگوی سرمایه‌داری مردسالارانه انطباق فراوانی دارد. طبق این الگو دو نظام سرمایه‌داری و مردسالاری در تعامل با یکدیگر به فرودست‌سازی زنان مشغول‌اند. این دو نظام گاه منافعی همسو و گاه نیز متناقض دارند؛ در چنین شرایطی نظامی دست بالاتر را دارد که قدرتمندتر است. در ایران نیز سرمایه‌داری، زنان را از خانه به بازار کار کشانده، اما در بازار کار روابط مردسالارانه نه تنها درهای مشاغل بالای هرم در بازار کار را به روی زنان بسته است، بلکه فراتر از این، درهای بازار کار رسمی در سطوح میانی را نیز چندان گشوده نگذاشته است. بخش بزرگی از مشاغل دولتی در ایران به شکل رسمی و آشکار در انحصار مردان است، در معدود بخش‌هایی که این انحصار وجود ندارد، همچون آموزش و پرورش، آن‌چنان محدودیت و نظارت مبتنی بر جنسیت بر روی زنان شدید است که عملاً همچون مانع دیگری بر روی حضور زنان در بازار کار عمل می‌کند.

اما این همه، یک روی سکه است، سوی دیگر سکه حضور تقریباً انحصاری زنان در مشاغل سخت و کم درآمدی همچون فروشنده‌گی، صندوق‌داری، کار در کافه‌ها، کار در مهدهای کودک و نظافت منازل و راهپله‌ها... به این سیاهه باید مشاغل خانگی را نیز افزود، مشاغلی همچون آماده‌سازی مواد غذایی، صنایع‌دستی، تولیدات خانگی همچون چرم‌دوزی و... در شرایطی که حتی کارگران بخش رسمی اقتصاد، دستمزدهایی به مراتب پایین‌تر از خط فقر دریافت می‌کنند، درک اینکه دستمزدهای کارگران در بخش غیررسمی تا چه حد فلاکت‌بار خواهد بود، سخت نیست. آنان علاوه بر دستمزدهای بسیار پایین‌تر از حد مصوب، از امنیت شغلی و تأمین آینده نیز برخوردار نیستند، شرایط کاری آنان (ایمنی محیط کار، ساعات کار، مرخصی و عیدی و سنوات...) اغلب از حداقل‌های قانونی مصوب تبعیت نمی‌کند. به همی این‌ها بیفزایید نابرابری‌های مبتنی بر جنسیت را که موجب می‌شود زنان حتی از همان دستمزدهای بسیار ناچیز نیز به مراتب کمتر از مردان برخوردار شوند.

اوضاع بحرانی زنان در بازار کار وقتی بیشتر روشن می‌شود که به یاد بیاوریم میزان طلاق رو به افزایش است و هر روزه زنان بیشتری به جمع زنان سرپرست خانوار افزوده می‌شوند. زنانی که در اغلب موارد کودکانی دارند که سرپرستی آنان را نیز بر عهده دارند. بسیاری از این زنان با درهای بسته بازار کار رسمی مواجه می‌شوند و به‌سوی بازار کار غیررسمی و شرایط فلاکت‌بار آن رانده می‌شوند. در حالی که شرایط اجتماعی و اقتصادی زنان را به شدت به سوی بازار کار سوق می‌دهد، زنان در بازار کار با رویکرد دوگانه‌ای مواجه‌اند، از یک سو موانع مختلفی بر سر راه حضور آنان در بازار کار رسمی موجود است و از سوی دیگر از حضور آنان در بازار کار غیررسمی استقبال می‌شود. در حالی که همی کارگران از دستمزدهای پایین‌تر از خط فقر رنج می‌برند، زنان کارگر تحت ظلم مضاعف ناشی از نابرابری شدید در دستمزد به سر می‌برند، این نابرابری در بازار کار غیررسمی



به مراتب بیشتر است. این تصویر با تمام دهشتناکی، زندگی واقعی و روزمره میلیون‌ها زن را بازنمایی می‌کند. زنانی که صدایشان انعکاس‌چندانی در میان فعالان جنبش زنان نیافته است.

مطالبات زنان، کدام مطالبات و کدام زنان؟

نگاهی گذرا به مطالبات زنان که در این سال‌ها توسط کنشگران جنبش زنان پررنگ شده‌اند، پرده از کمرنگ بودن مطالبات اقتصادی که در زندگی زنان به‌خصوص زنان فرودست نقش حیاتی دارند، برمی‌دارد. جنبش زنان نه تنها تاکنون به معضل اشتغال زنان توجه به‌سزایی نکرده است بلکه در بزنگاه‌های

مختلف رویکردی دوگانه نسبت به مطالبات زنان داشته است. به عبارت صریح‌تر، جایی به میدان آمده‌ایم (اگر آمده‌ایم) که منافع زنان طبقات غیر فرودست به چالش کشیده است. یادآوری دو نمونه از این رفتار غیرقابل دفاع، می‌توانند روشن‌گرانه باشد. وقتی در سال ۹۱ لایحه‌ی الزامی بودن رضایت پدر برای گرفتن گذرنامه برای دختران مجرد طرح شد، کنشگران جنبش زنان، کمپینی علیه این لایحه به راه انداختند که طیفی از فعالیت‌ها اعم از جمع‌آوری امضا، دیدار با نمایندگان و مانور رسانه‌ای علیه این لایحه را شامل می‌شد. به یاد می‌آورم در زمان جمع‌آوری امضا علیه این لایحه، زنان بسیاری در کوچه و خیابان به ما می‌گفتند اصلاً این موضوع برایشان مهم نیست زیرا هرگز چه با اجازه و چه بی‌اجازه امکان خروج از کشور را نداشته‌اند...

از زهره اسدیپور - سایت بیدارزنی